

همین هفته آینده برگزار کنیم چرا که این کار عاقبتی نتیجه خواهد داد!

در حال حاضر جلسه ای که بتواند کارفرمایی را یا مامور دولتی را استیضاح کند، به توجهات و انتظارات بی جای آنان به روشنی جواب بدهد و با صدور قطعنامه چند

سطری اظهارات

استدلالات آنها را از

جانب کارگران و

نپذیرفتن ان اعلام دارد

و لزوم حل این یا آن

مسئله کارگران به طور

قطع برای کارگران

تاکید بگذارد و به آرامی

به کار خود پایان دهد؛ از جانب همه ما و کارگران جلسه موفقیت‌آمیز ارزیابی خواهد شد. تعریف اتفاقات آن جلسه و شیرین کاری های کارگران و بهتر برگزار کردن جلسه بعد تا یک هفته بعد موضوع بحث همه کارگران شرکت کننده خواهد شد. به این ترتیب اقبال عمومی نسبت به برگزاری منظم جلسات مجمع عمومی نضج خواهد گرفت.

به ویژه در آغاز جنبش آگاهانه مجمع عمومی یعنی دوره ای که باید تلاش کرد که هواداری از این جنبش و این شکل تشکل هرچه بیشتر در میان کارگران توسعه پیدا کند، این است که کاری کنیم که هر جلسه مجمع عمومی به نحوی رضایت بخش و امیدوارکننده برگزار شود و خاتمه یابد. این

فاکتورها همانطور که

اشاره کردیم رابطه

خطی و یک به یک با

درجه رادیکالیسم که

مجمع عمومی از خودش

نشان می‌دهد ندارد.

جلسه موفقیت‌آمیز مجمع

جلسه موفقیت‌آمیز مجمع عمومی به سادگی

عبارت از جلسه ای است که گرهی از کار

کارگران بگشاید، راهی جلوی پایشان بگذارد،

در مورد مسئله ای روشن شان کند،

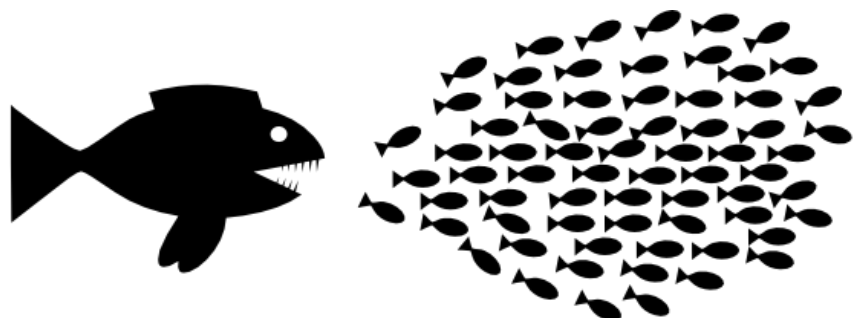
عمومی به سادگی عبارت از جلسه ای است که گرهی از کار کارگران بگشاید، راهی جلوی پایشان بگذارد، در مورد مسئله ای روشن شان کند، و به اینکه می‌توانند از این طریق، یعنی با اتفاق و همراهی با یکدیگر، به حل مسائل شان نزدیک شوند، امیدوار شان سازد. جلسه خوب و موفقیت‌آمیز جلسه ای است کارگرانی که از آن خارج می شود به خود بگویند "چه خوب که این جلسه را برگزار کردیم، چه خوب که من در آن شرکت کردم و چه بهتر می‌شود که جلسه بعد را بشود

ما می‌خواهیم جنبش مجمع عمومی - اگر لازم است با آهستگی اما - حتماً با گام‌های

استوار و محکم ابتدایی راهش را طی کند. شکی نداریم که این کار شدنی است و مثل

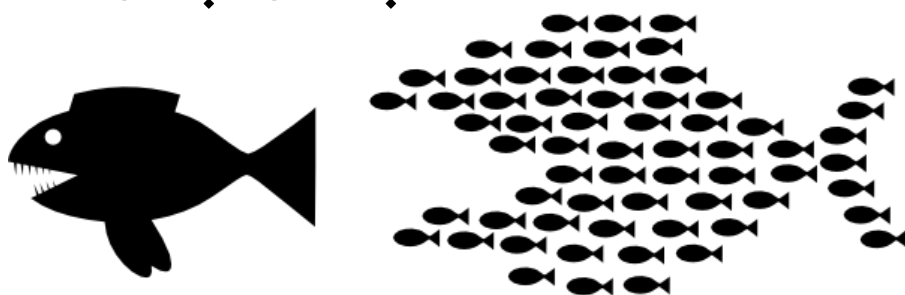
هر کار دیگری این کار هم چم و خم های خودش را دارد و قبل از گفتن "نمی‌شود" باید

در فکر پیدا کردن و یاد گرفتن آنها بود



مجمع عمومی کارگران:

چرا و چگونه؟



دفترچه راهنما برای فعالین و آژیتاتورهای کارگری

مجمع عمومی جایی است که هم به کارگر جمعیت می‌دهد، هم یکدستی و یکدلی نکته قابل تاکید این است که در زیر چنگ و دندان این حکومت هم میتوان مجمع عمومی داشت و نه فقط این بلکه شکل منظم آنهم را هم میتوان داشت. این را هم تجربه اثبات میکند و هم عقل و استدلال. باید توجه کرد که مجمع عمومی جایی است که کارگر با همه هیبت خود ظاهر میشود. جمعیت کارگر یک دست و یک دل برای سرمایه دار و نوکران آنها پدیده ای ترسناک است، چیزی که نمی تواند خود را بی گذار به آب بزند و نسنجیده عمل کند.

بالاخره باید روزی برسد که هر کارگری بتواند خود را هم با مکان خود در سازمان تولید، و هم با امکان خود در سازمان کارگران معرفی کند و بگوید: من فلانی، بافنده کارخانه نساجی و عضو کمیته روابط خارجی شورای کارخانه.

محتوای جزوه بر اساس سه نوشته از خسرو داور از سالهای 1361—1362 تنظیم شده است. اصل مقالات متعاقباً در سایت "علیه بیکاری" در دسترس علاقمندان قرار خواهد گرفت.

تهیه و تنظیم: مصطفی اسدپور و سیوان رضایی از نهاد "علیه بیکاری"

مهر ماه 1398

آنچه در رابطه با سرنوشت مجامع عمومی و فعالین جنبش ارتباط حیاتی دارد این است که رادیکالیسمی که مجمع عمومی از خود بروز می‌دهد معیار سنجش درجه موفقیت یا عدم موفقیت آن نیست و نمی‌تواند باشد. کسی که حرکت توده ای یا در اینجا مجمع عمومی را وادار و تحریک کند که رادیکالیسم ای بیش از آنچه که توده های کارگر قدرت و آمادگی پیگیری اش را دارد، کسی است که دارد توده ها و حرکتشان را صرف نظر نیات خیر به قربانگاه می برد. قوانین مبارزه توده ای همیشه مبارزه علنی است و با قوانین مبارزه پارتیزانی و جنگ و گریز فرق دارد. اینجا دیگر گریز معنایی ندارد، یعنی فقط تا جایی می شود پیش رفت که بتوان در آن جا ماند و به شمشیر زدن ادامه داد. حد پیش روی ها را فاکتور های عینی و واقعی، یعنی قوای طرفین، آرایش و آمادگی جنگی آنها تعیین می‌کند نه اراده و روحیات ما. کسی که اراده کرده است تا در این کشمکش پیروز شود و روحیه اش را نباخته است، اولین و مهمترین کارش این است که این فاکتورهای عینی موقعیتی که در آن قرار گرفته است را تشخیص بدهد و عاقلانه ترین راه ها را پیدا کند. کار یک رهبر عملی مبارزه توده فقط این نیست که توده ها را از رخوت و سستی و تسلیم اثر استیصال در آورد و به میدان بکشد، بلکه از جمله این هم هست که مانع عکس العمل کور نسبت به موقعیت شود، جلوی عصیان زدگی و ماجراجویی را بگیرد، و در عوض آن نفرت به حقی را که موجد این عصیان زدگی ها است را به مسیری هدایت کند که در خدمت رسیدن جنبش به اهدافش باشد.

فعال جنبش مجمع عمومی باید به خوبی بداند که رادیکالیسمه بیش از حد، یعنی بیش از حدی که اکثریت کارگران آنرا قلباً متعلق به خود بدانند، و در بیرون اجتماعات کارگری، خود مدافعش باشند پیشروی در برپایی مجمع عمومی را به شکست میکشاند و رهبران رادیکال را گرفتار می سازد. باید دانست و همه کارگران هم این را باید بدانند

باید دانست که بسیاری از مسائل کارگری اصولاً نمی تواند در چارچوب فابریکی حل شود، کارگران یک کارخانه هر اندازه هم که خود را به آب و آتش بزنند، نخواهند توانست در قانون کار را عوض کنند و دولت را به زیر بکشند. کارگران باید بدانند که اگرچه اعتراض به همه این مسائل عمده از کارخانه شروع می شود اما برای به نتیجه رسیدن تنها راه این است که آتش مبارزه در حدود معینی اما به طور مستمر در کارخانه گرم نگه داشته شود تا امکان سرایت به کارخانه‌های دیگر را پیدا کند و کارگران در سطح عالی تر همبستگی و همسویی در شعارها و مطالبات بتوانند تحقق آنها را در دستور مبارزات سراسری خود بگذارند.

درک نکردن رابطه طرح یک خواست با نیروی بسیج شده برای مبارزه به سادگی می تواند زحمات و امیدهای کارگران را از جمله در جنبش مجامع عمومی به باد دهد. یاد دادن این مسائل به کارگران و ایجاد انسجام و وحدت اراده و وحدت عمل در مجامع عمومی از جمله دیگر وظایف محافل کارگران پیشرو و فعالین پیگیری جنبش مجمع عمومی در درون کارخانه هاست.

خاصیت موردی بودن هیات های نمایندگی در این است که مجمع عمومی برای انجام هر مأموریت معین بهترین ها را برای این کار انتخاب میکند. کسی که می رود تا با کارفرما بر سر لزوم افزایش دستمزد مذاکره کند الزاماً کسی نیست که در زمینه طرح و دفاع از خواست تجهیزات مربوط به ایمنی کار بیشترین توانایی و قابلیت را دارد. از طرف دیگر اگر نمایندگان مجمع عمومی برای انجام همه کارها فقط یک هیات خاص باشد کارفرما و پلیس میتوانند به آسانی آنها را متهم کند که همه آنها را آنها می سوزانند و تهدیدشان کنند. حتی به فکر بیافتند که نمایندگان کارگران را تطمیع کنند، بخرند و به سازش بکشند. مورد به مورد بودن نمایندگان این احتمال را کاهش می دهد.

اصل کلی ما این است که نمایندگان و ماموری که از جانب مجمع عمومی انتخاب می شود باید در هر جلسه قابل عزل باشد. منظور این است که کسی نتواند از نردبان کارگر صعود کند، آن بالا جا خوش کند، از طرف کارگر ببرد و بدوزد و قاطی اعوان و انصار کارفرما شود.

دمکراسی، رای، اتوریته، نظم و این حرفها ...

شورا خود موظف است که برای به اجرا درآوردن مصوباتش کمیته های اجرایی لازم را تعریف کند و اعضای آنها را از میان داوطلبین (عمدتاً یعنی موافقین و اکثریت) انتخاب کرده و آنها را با تعیین حوزه اختیارات و وظایف شان به کار بگمارد. بنابراین شورا در دل خود ارگانهای متعدد اجرایی متشکل از کارگران فابریک خواهد داشت که به کار تحقق بخشیدن به مصوبات شورا مشغول هستند. راس تمامی این ارگانها باز هم خود شورا - مجمع عمومی کارگران یا نمایندگان کارگران - قرار خواهد داشت. اگر چه مخالفین تصمیمات شورا عملاً می توانند از اتخاذ تصمیمات آن خود داری کنند اما اتوریته شورا بر ارگانهای اجرایی خود کاملاً یک جانبه با تمام قدرت اعمال می شود. هیچ ارگان اجرایی نخواهد توانست از زیر بار تبعیت از تصمیمات شورا شانه خالی کند، چرا که به مجرد آن به مثابه یک ارگان از جانب شورا منحل خواهد شد و نفرات آن از وظایفی که به آنها سپرده شده است

در عین حال باید توجه داشت که بعضی ها از این موردی ها خودشان امری متداول و مداوم هستند، مثلاً کار کردن در نقش هیئت رئیسه مجمع عمومی و شورا. ما همیشه در خارج از جلسات نیز به این افراد نیاز داریم و باید بدانیم که چه کسانی رئیس جلساتمان هستند تا مسایل و ملاحظاتی را در فاصله جلسات با آنها مطرح کنیم. رسیدگی به وضعیت ایمنی محیط کار هم ماموریتی است که تمامی بردار نیست، همیشه هیاتی جهت بازرسی کارگری باید موجود باشد که چهارچشمی مواظب سلامتی کارگر در محیط کار باشد.

منظور این است که بعضی از کارهای ما ماهیتاً تخصصی تر و پایدار تر هستند. بنابراین برای آنها باید آرایش پایدارتر و ترکیب مناسبی در نظر داشت. باید توجه کرد که شرط کنترل داشتن کارگران بر عملکرد نمایندگان منتخب این است که گزارش دهی نمایندگان به مجمع عمومی کاری منظم و مرتب باشد به علاوه کارگران بتوانند صحت و سقم این گزارش را از کانال های دیگر هم تحقیق کنند.

خلع خواهند گشت بدون اینکه از عضویت عالی ترین عنوان تصمیم گیری، همان تشکیلات نشست مجمع عمومی، بیرون رفته باشند. بنابراین اگر چه عضویت یک کارگر در شورای کارخانه نیاز به احراز هیچ شرطی ندارد، یعنی یک کارگر کارخانه به طور اتوماتیک عضو شورای کارگران است، اما همین کارگر برای اینکه عضو یکی از ارگانهای اجرایی شود باید بدواً تعهد کند که اتوریته مجمع عمومی را می پذیرد و به تصمیمات آن گردن می نهد. تخلف او تنها باعث خلع او از مکان اجرایی خواهد شد. اعضای تمامی ارگانهای اجرایی شورا انتخابی هستند و به مجرد اینکه شورا اراده کند قابل عزل و جایگزینی هستند. روسای تمامی این ارگانها موظفند گزارش عملکرد خود را مستقیماً در جلسات شورا به اطلاع اعضای آن برسانند و شورا از طریق هیئت مدیره خود موظف است از کارهای اجرایی حساسی کند.

مقدمه

- ۲ در کله یک فعال جنبش مجمع عمومی
- ۴ شورای واقعی کارگران فابریک چیست؟
- ۵ دولت دولت است، خدا که نیست!
- ۶ مجمع عمومی: لب کلام (ویک مقایسه)
- ۷ نقطه عطف جنبش مجمع عمومی در فابریک ما
- ۸ از مجامع عمومی "خود بخودی" جاری تا مجامع عمومی منظم و سازمان یافته
- ۹ مجمع عمومی کارگری باید منظم و با تعداد هر چه بیشتری از کارگران برگزار شود
- ۱۰ تدارک، تدارک و باز هم تدارک خوب و از پیشی جلسات مجمع عمومی
- ۱۰ تکلیف پیشنهادات، رای و رای گیری چطور تعیین میشود؟
- ۱۱ هنر خنثی کردن تلاشهای عوامل کارفرما و دولت در مجمع عمومی
- ۱۲ رئیس جلسه خوب داشتن یک نعمت است.
- ۱۳ دست از کله شقی بردارید، لطفا!
- ۱۴ ماجرای موردی بودن نمایندگان مجمع عمومی خیلی مهم است
- ۱۴ دمکراسی، رای، اتوریته، نظم و این حرفها
- ۱۵ رادیکالیسم، ماجرا جویی و واقع بینی
- ۱۶ "چه خوب شد که این جلسه را برگزار کردیم".

تشکل و سازمان یابی طبقه کارگر

- ۴ تشکل و ارگانهای توده ای طبقه کارگر
- ۷ طبقه کارگر تنها به قدرت متشکل خود ایمان میاورد.
- ۸ روحیه و اشتیاق مبارزاتی و تشکل یابی در میان طبقه کارگر
- ۹ چه کسی گفته ایجاد تشکل علنی کارگری منوط به اجازه نامه دولت است؟
- ۱۱ طبقه کارگر باید اعتماد بنفس خود را بازیابد

ایجاد و سازماندهی مجامع عمومی کارگری ممکن و در پیشبرد منافع و اعتراض تنها ابزار موثر است، اینها همان موارد مجمع عمومی هایی که کارگران بنا به تجربه عملی و شم مبارزاتی-طبقاتی خود در دل همین شرایط تشکیل داده اند بروشنی نشان داده است. امروز بحث از سر امکانپذیری مجامع عمومی بیجااست. همه میدانند که هیچ چیز به صرف امکان پذیر بودن خودبخود روی نمیدهد.

برای اینکه کارگران بطور جدی با خواست تشکیل مجمع عمومی بسیج و متحد شوند نیروی محرکه لازم است. این نیرو، گاه از بیرون با تحریک کارفرما و دولت یعنی با گذاشتن آنها روی بخش دیگری از منافع کارگران وارد عمل میشود و معمولاً هم کارگران با اجتماع وسیع خود به عکس العمل و ادار میشوند.

اما برای اینکه تشکیل مجمع عمومی به ابتکار کارگران و برای پیشبرد امر آنان باشد، لازمست است که متشاه این نیروی محرکه در درون خود کارگران باشد. مثل همیشه این نیروی محرک و بسیج کننده را باید نزد عده ای معدودتر از

شکل و ارگانهای توده ای طبقه کارگر

دسترس خویش خواهند دید و حرکت قهرآمیز خود را برای تسخیر آن آغاز خواهند کرد که بتوانند بروشنی بگویند بجای دولت بورژوازی دولت ما، بجای مجلس بورژوازی کنگره شوراهای ما، بجای دوایر دولتی قدرت ارگانهای شورایی ما.

پس مبارزه طبقه کارگر برای رسیدن به چنین روزی در همان حال مبارزه برای ساختن ابزارهای تشکیلاتی ای است که طبقه کارگر برای مبارزه بر سر قدرت، کسب و حفظ قدرت به آن نیاز دارد. بدون این ارگانها ایمان به قدرت طبقه کارگر صرفاً ایمانی قلبی خواهد ماند.

ارگانهای قدرت توده ای طبقه همراه با جوشش مبارزه ساخته میشود و جنبش مجمع عمومی به این کشش و کوشش طبقه کارگر تعلق دارد.

باشد اعضای حاضر در جلسه را در مورد نحوه اداره جلسه قانع نگه دارد. برای این کار باید اتوریتنه داشته باشند، کسی باشد که کارگران حرفش را بخوانند. هم تجربه داشته باشد و البته انصاف. نکته مهم این است که باید کمک کنیم که این کار را یاد بگیریم. و علاوه سعی کنیم به جای یک رئیس، یک هیات رئیسه، جمع چند نفره برای ریاست جلسه داشته باشیم که هر چه بیشتر به دلیل فوت و فن ریاست مجلس را یاد بگیرند. در جلساتی که بحث ها زیاد قطعی نیست و جناحهای مختلف می‌توانند حرف‌های همدیگر را تا رسیدن نوبت بعدی تحمل کنند، اداره کردن جلسات کار زیاد سختی نیست. اما وقتی جلسات طوفانی می‌شود و وقتی نظرات غیر قابل سازش، طرفداران پر حرارت پیدا میکند، رئیس جلسه ورزیده نقش خیلی اساسی می‌تواند ایفا کند. باید از جلسه مجمع عمومی برای تربیت هر چه بیشتر کارگران در ایفای این نقش ه استفاده کنیم چون ممکن است رئیس یک شورای شهر بشوید و قرار باشد جلسه ای را اداره کنید که شرکت کنندگان موافق و مخالف مسلح هم هستند.

مساله مهم دیگر، نظم درون جلسه و روال کار متمر ثر است. یک شرط با استقبال مواجه شدن جلسات مجمع عمومی، رونق داشتن بحث و جدل خلاق و علاقمندی اعضا به شرکت فعال در مجمع عمومی، این است که این مجموعه ی واقعا یک ابزار کارا کار کند. این ملزوماتی می‌خواهد که اگر مجمع عمومی برایمان جدی باشد آن را هم باید جدی بگیریم. دو جلسه شلوغ و پر مهممه و خسته کننده و بی‌نتیجه کافی است که حاصل کار روزها استدلال و تلاش شما برای ایجاد و تحکیم تشکل را به هدر بدهد.

رئیس جلسه خوب داشتن واقعا یک نعمت است. رئیس خوب بودن برای جلسه تصمیم گیری کمی مهارت می خواهد. آدم باید بلد باشد از موقعیتش که به او اجازه می‌دهد بدون اجازه حرف بزند سوء استفاده نکند، جلسه را بگرداند، وقت را به درستی میان موافقین و مخالفین پیشنهادها تقسیم کند، و بداند که تکلیف کدام پیشنهادهای زودتر باید روشن کند که پروسه تصمیم گیری به بن‌بست نخورد. آدم باید بلد

دست از کله شقی بردارید، لطفا!

در ادامه همین استدلال است که باید هر جا که گردن گذاشتن به تصمیمات اکثریت آرا ما را به زیر پا گذاشتن پرنسپیی وادار نمی کند، دست از کله شقی برداریم، دعوا بر سر سلیقه هایمان را عمده نکنیم و اجازه دهیم کار مطابق روالی که اکثریت می‌خواهد پیش برود. توجه داشته باشید که در افتادن با خواست اکثریت، قیل از اینکه اثبات کرده باشم که محق هستم، همیشه از جانب بقیه به صورت نوعی دست کم گرفته شدن فهم و شعور و قدرت تشخیص خودشان برداشت میشود. بنابراین، حتی المقدور باید از قرار گرفتن در این موضع اجتناب کنیم و هر وقت این وضعیت به ما تحمیل شد همیشه باید بدانیم که کار وسیع اقناعی در دستورمان قرار گرفته که باید از آن طریق حقانیت موضع خود و علت در افتادن خود با رای اکثریت را توضیح بدهیم و بفهمانیم. در غیر این صورت باید بپه منزوی شدن را به تن مالید.

باید از همه کارگران خواست – و این باید یک عادت همه ما باشد – که اگر مشکلی با مصوبات جلسات مجمع عمومیمان اختلاف اصولی، اختلاف پرنسپیی نداریم، به این مصوبات گردن بگذاریم، آنها را رعایت کنیم و اجازه دهیم که کارگران هر چه بیشتر مثل یک تن واحد عمل کنند. این درسته که اکثریت هم ممکن است اشتباه کند اما این هم یک حقیقتی است که در اکثر مواقع کوتاهترین راه متوجه کردن اکثریتی که دارد اشتباه می کند این است که خوب استدلالات خود را بکنیم، و بلاهایی را که در اثر این اشتباه می تواند در انتظارمان باشد را گوشزد کنیم و بعد اجازه بدهیم که اکثریت چیزی که درست میدانند را تجربه کند، و از پراکتیک خود، پراکتیکی که به موقع ما با تئوری احتمالاً صحیح خود پیش‌بینی کرده بودیم، درس بگیرد.

برای خنثی کردن تلاش‌های نمایندگان سخنگویان سرمایه در مجمع عمومی هنوز ایفای نقش ماهرانه از جانب رهبران عملی در مجمع عمومی لازم می‌آید. برای خنثی کردن نمایندگان و مبلغین سرمایه که بی شک سر و کله شان در همه مجامع عمومی پیدا خواهد شد همسویی توده کارگر در اعتراض و هم صدایی آنها کافی است. کارگران نباید به جلسه مجمع عمومی به شکل محلی برای زورآزمایی رهبران عملیشان با عوامل کارفرما و دولت نگاه کنند و برای خودشان نقشه تماشاجی تشویق کننده را قائل شوند. هر کارگری باید بداند که قرار است در این جلسه معین مجمع عمومی یقه کدام مسائل کارگری را بچسبد، روی چه موضوعی پبله کند و چه اعتراضی کوتاه نیاید؛ هر کارگری باید بداند که عوامل کارفرما و موجب بگیران دولت در این جلسه چه خواهند کرد که با لطایف الحیل توجه کارگران و جلسه را به موضوع دیگری حتی شاید موضوع کارگری دیگری، جلب و منحرف کنند و اینکه هر کارگر باید به سهم خود بکوشد مانع انحراف توجه جلسه و ختم بی نتیجه آن شود.

به عبارت دیگر محافل کارگری پیشرو به کمک روابط حسنه و رفیقانه ای که با توده های کارگر دارند نه فقط باید جمع کردن توده کارگران را برای برگزاری مجمع عمومی تدارک ببینند، بلکه به علاوه برای جمع کردن حواس آنها و بسیج فکری کارگران به منظور

برگزاری موفقیت آمیز جلسه از پیش زحمت بکشند و کاری کنند که اکثریت کارگران از پیش بدانند که "قرار است در این جلسه چه بکنیم چه مسائلی و چه موضوعی به نتیجه برسیم"

برای تضمین عقیم ماندن تلاش‌های ماموران سرمایه برای به کنترل درآوردن مجمع عمومی کفایت که هر کارگری به طور غیر رسمی مثلاً پای سفره شام و ناهار و در نزد برادران و خواهران کارگش متعهد شود، یعنی قول بدهد، که در صورت مطرح شدن بحث‌های انحرافی و ضد کارگری در مجمع عمومی هفته آینده، یک جمله اعتراضی، فقط یک جمله اعتراضی البته غیر خطرناک و غیر تحریک آمیز را در میان جمعیت با صدای بلند بر زبان خواهد آورد.

معنای عملی این تعهد دوستانه و غیررسمی حتی اگر نیمی از کارگران به آن وفا نکنند این است که مدافعان کارفرمایان و دولت در جلسه حتی مار خورده ترین آنها با صدها پارازیت اعتراضی مواجه شده و چاره‌ای جز این نخواهند داشت که دمشان را روی کولشان بگذارند و جلسه را ترک کنند.

هر کارگری باید بداند که قرار است در این جلسه معین مجمع عمومی یقه کدام مسائل کارگری را بچسبد، روی چه موضوعی پبله کند و چه اعتراضی کوتاه نیاید؛ هر کارگری باید بداند که عوامل کارفرما و موجب بگیران دولت در این جلسه چه خواهند کرد

متشکل و سازمان یافته کارگران و تنها آن تصمیماتی که به تصویب اکثریت کارگران در مجمع عمومی رسیده باشد مصوبه شورای کارگران کارخانه نامیده میشود. در کارخانه های بزرگ و صناعی که

پراکندگی واحدهای مختلف آن و یا خصلت تولید در آنها برگزاری جلسات مجمع عمومی کل کارگران را مشکل یا غیرممکن می‌کند، شورا نمی‌تواند مجمع عمومی کارگران باشد. اما در اینجا روح مسئله تغییر نمی‌کند. ما خواهان ارگان و ابزار اعمال اراده کل کارگران فابریک هستیم. بی‌تردید در این‌گونه صنایع و کارخانجات مجامع عمومی کارگران قسمت، بخش یا شیفت آن می‌تواند تشکیل داده هر کارگری از کارخانه همانند

کارگاه‌های کارخانه کوچک عضو شورای قسمت، بخش یا شیفت خود باشد که همان مجمع عمومی کارگران بخش است. در این حالت شورای مرکزی کارخانه عبارت خواهد بود از "شورای نمایندگان کارگران". این شورای نمایندگان، متشکل از هیئت‌های نمایندگی گوناگونی که هر یک شورای کوچکتر (قسمت یا شیفت و غیره) را نمایندگی می‌کنند. این هیئت‌های نمایندگی که شورای مرکزی نمایندگان کارگران را بوجود می‌آورد، به شیوه ای دموکراتیک در جلسات رسمی شورای کوچکتر انتخاب می‌شود. حدود وظایف و اختیارات آنها از جانب انتخاب کنندگان تعیین می‌شود و هر گاه همان انتخاب کنندگان اراده کنند آنها را معزول یا تعویض خواهند کرد.

شورای کارگران کارخانه که ما خواهان آن هستیم در درجه اول عبارت است از سازمان توده کارگران کارخانه یعنی سازمانی که کل کارگران فابریک را در بر می‌گیرد. وقتی از سازمان سخن می‌گوییم مجموعه از انسان‌ها را در نظر گرفته‌ایم که به خاطر پیشروی به سوی اهداف مشترک گرد آمده اند و برای تسهیل این پیشروی در بین خود تقسیم کار کرده‌اند و هر عضو این سازمان و وظایف خود را در ارگانی از سازمان و در رابطه تعریف شده و مشخص با سایر ارگان‌ها و افراد سازمان انجام می‌دهد و این مجموعه در کلیت خود به سمت اهداف مشترک پیش می‌رود.

با ارائه اولین تعریف مشخص کردیم که شورای واقعی سازمانی که کلیه کارگران فابریک را در بر می‌گیرد. هدف مشترک اعضای این سازمان عبارت است از تصمیم‌گیری و شور درباره معضلات و مسائلشان به شیوه ای دموکراتیک، و کوشش در جهت اتخاذ تصمیمات با تکیه بر نیروی اعضای سازمان یعنی کارگران فابریک. به عبارت دیگر، شورای واقعی ارگان اعمال اراده کارگران آن فابریک است. بدون شک وقتی از اراده و تصمیم کارگران صحبت می‌کنیم در عمل اراده اکثریت و تصمیم اکثریت مورد نظر ماست و لذا حاکمیت دموکراسی در درون سازمان و تبعیت ارگان‌های سازمان از تصمیمات اکثریت ضروری و واجب است. عالی‌ترین عنوان تصمیم‌گیری شورا مجمع عمومی اعضای آن یعنی مجمع عمومی کلیه کارگران فابریک است. در تمام فابریکهایی که امکان انعقاد جلسات مجمع عمومی کلیه کارگران وجود دارد. شورای کارگری، یعنی مجمع عمومی

دولت دولت است نه آنطور خدایی که به قول معلم های فقه و شرعیات به مجرد اراده امرش حاصل شده باشد.. بین خواستن و توانستن دولت - هر اندازه که قهار باشد- فاصله ای است که آن را باید پراکتیکش پر کند. خیلی چیزها هست که دولت می‌خواهد اما توان به دست آوردنش را ندارد، و خیلی چیزهای دیگری هست که دولت نمی‌خواهد اما برخلاف میلش به او تحمیل میشود. دولت هیچ اعتصابی را برسمیت نمی‌شناسد اما به طور واقعی روی می‌دهد. به این ترتیب ابدًا مجاز نیستیم عملی بودن یک خواست کارگری را با این استدلال که دولت با تحقق آن مخالفت خواهد کرد، منتفی بدانیم. صحبت بر سر "امکان پذیری" در دل یک کشمکش است که حاصل آن را نه فقط خواست دو طرف، بلکه توانایی شان در تحمیل خواسته ها تعیین می کند.

سوال این است: آیا ایجاد نوعی تشکل کارگری در موقعیت کنونی که بشود وجود آن را به دولت ضد کارگری تحمیل کرد، میسر است؟

جواب صحیح: اگر تشکل مورد نظر مجمع عمومی سازمان یافته و منظم در کارخانه باشد، پاسخ ما قطعاً مثبت است. معنی "اگر" این است که ما بسیاری از اشکال دیگر سازمان‌های کارگری را در توازن قوای فعلی متناسب نمیدانیم. پیش شرط دستیابی به تشکلات عالی تر و فراگیر توده ای- کارگری از نظر ما همین سازمان یابی فابریکی و تحکیم صفوف کارگران صنعتی ایران در محل کار است.

سوال اینست: چرا سازماندهی مجامع عمومی منظم در کارخانه عملی است؟

جواب صحیح: پاسخ در ویژگی منحصر به فردی است که مجمع عمومی سازمان یافته، در تمایز با سایر اشکال سازمان یابی علنی کارگران دارد. مجمع عمومی کارخانه جایی است که بنا به تعریف دربرگیرنده همه کارگران کارخانه است. جایی است که کارگر مستقیم خودش را با حضور

خودش نمایندگی می‌کند. این پر عضو ترین تشکلی است که می‌توان در کارخانه داشت. به علاوه این تشکلی است که نمی‌تواند نماینده اراده کارگران نباشد چون کارگران بلاواسطه و با تساوی کامل حقوق در آن شرکت دارند. این تشکلی است که نمی‌تواند چیزی جز خواسته کارگران را بخواهد، نمی‌تواند سازش کند بی آنکه خود کارگران سازش کرده باشند. مجمع عمومی کارگران کارخانه جایی است که در آن عضو هم تصمیم می‌گیرد هم مجری تصمیمی که خود در اتخاذش شریک بوده است.

مهمتر اینکه مجمع عمومی کارخانه تشکلی است که به خاطر هم سازمان بودن اعضایش در سازمان دیگری که سازمان کار و تولید در همان کارخانه است به حربه تهدید اقتصادی به طور بلاواسطه مسلح است. نقطه قدرت کارگران وقتی متحد باشند این است که قادر هستند تولید را متوقف کنند و پول و سود را بر روی سرمایه ببندد. هر گاه کارگران به آن درجه از اتحاد دست یابند که به یک تهدید جدی و واقعی تبدیل شوند سرمایه داران از در احترام و خواهش و تمنا وارد بحث با کارگران می شوند.

اگر کارگران یک کارخانه در مجمع عمومی سازمان یافته متشکل شده باشند آنوقت برای استفاده مناسب از این نقطه قوت خود در بهترین و مناسب ترین موقعیت قرار گرفته اند. برای همین است که دولت و کارفرمایان و نوکرانشان نمی‌تواند در مقابله با این شکل آرایش کارگران بی‌گدار به آب بزنند. اعضای این تشکل را نمی‌توان به راحتی از روی صندلی شان بلند کرد و به بازداشتگاه کمیته فرستاد، چرا که در آن صورت تولید متوقف می‌شود و معمولاً یعنی صحبت چند میلیون تومان ضرر. با کارگری که به رگ تولید چنگ اندخته باشد باید با مدارا رفتار کرد. اینرا هر سرمایه داری می‌داند و خودش میتواند به جوجه پاسدار تازه استخدام شده حالی کند.

رای گیری با صدای بلند اعلام می‌شود و روی همان برگه نوشته و تحویل داده می‌شود تا مثل بقیه مصوبات از آن نگهداری کند که در آینده سر اینکه جلسه چه چیزی را تصویب کرد حرف در نیاید.

اینها هیچکدام وحی منزل نیست. اما آنچه اهمیت دارد این است که بالاخره یک روال تعریف شده و مورد توافق باید در جلسات رعایت شود و مورد احترام باشد تا جلسه به عنوان یک کار دست جمعی جلسات مستمری باشند، راندمان بالایی داشته باشند، انرژی شرکت کنندگان بی جهت در اصطکاک با هم به هدر نرود و مستهلک نشود.

در جلسات تصمیم‌گیری کسی که پیشنهادی را مطرح می‌کند وقت معینی در اختیار دارد تا در توضیح و تفهیم پیشنهادش به جلسه و دفاع از آن صحبت کند. بعد مخالف و موافق یک در میان، و از نظر زمانی به اندازه هم، در رد و قبول پیشنهاد صحبت می‌کند و پس از آن که جلسه تشخیص داد که بحث کافی است، یعنی آنوقت که پیشنهاد کفایت مذاکرات بتصویب رسید، بحث تمام می‌شود و بلافاصله در مورد پیشنهاد مورد بحث رای گیری میشود. برای اینکه ابهامی برای کسی وجود نداشته باشد که دارد به چه چیزی رای می‌دهد، پیشنهادی را که قرار است مورد قبول قرار بگیرد را باید از همان اول به طور کتبی به رییس جلسه تقدیم کرد. اگر رفیقی بی سواد باشد خود رئیس جلسه یا کس دیگری می‌توان پیشنهاد رو بنویسه در اختیار بگذارد. پس از شمارش آراء، نتیجه

طبقه کارگر باید اعتماد بنفسی خود را باز یابد

اعمال قدرت باشند و در هر گام آن اشکال سازماندهی را که می‌تواند انسجام درونی نیروهای موجود طبقه را به بهترین وجه تأمین کند، ادامه کاری پیگیری استحکام لازم در عرصه‌های مختلف مبارزه را به وجود آورد، تعریف و تبلیغ کرده و عملاً برای ایجاد آن دست به کار شوند.

طبقه کارگر باید اعتماد به نفس خود را باز یابد. اما این اعتماد به نفس، نه اعتماد تک تک کارگران به نیروی فردی شان بلکه اعتماد توده کارگر به قدرت متشکل و مبارزه سازمان یافته خویش است. هیچ تبلیغی برای بازگرداندن روحیه مقاومت و مبارزه به توده های کارگر موثرتر از مشاهده استقامت و رشد مبارزه متشکل تشکل‌های کارگری و پیشروی های عملی آن‌ها نیست. بنابراین به منظور خنثی کردن سیاست ارباب همیشه یک کلید اساسی وجود دارد و آن متشکل شدن و متشکل کردن آن قشر از کارگران آگاهی است که هم اکنون مشتاق مبارزه اند. کارگران کمونیست باید پرچمدار حرکت فعلی برای عملی برای سازماندهی کارگران پیشرو و مبارز به منظور جلب توده های کارگر به صحنه مبارزه و

میشود و باید حق کارگر برای تشکیل منظم مجمع عمومی را به کرسی نشانند. در موارد متعدد در کارخانه کارگران کارفرما را وادار کرده بودند که بپذیرد که کارگران هر وقت می‌خواهند مجمع عمومی داشته و درباره مسائل مشترک شان حرف بزنند و تصمیم بگیرد. در آنجا رسم بر این بود که صرفاً می‌بایست زمان برگزاری به اطلاع کارفرما می‌رسید. اساس براین بود که برای جلسات فوق‌العاده هم نیاز به کسب اجازه از کارفرمایان نباشد. این‌ها همه یعنی جا افتادن و محکم شدن سنتی مجمع عمومی؛ که مجمع عمومی باید نهادی منظم باشد. باید پافشاری کرد. نظم پایه و اساس هر تشکل است. با منظم شدن مجمع عمومی همه عملکردهای آن به همراه رفتار همه اعضا در قبال مجمع عمومی پخته می‌شود و قوام می‌گیرد.

مجمع عمومی تشکل کارگران برای رسیدگی به مسائل مشترک آنها است پس باید به طور منظم و پی‌درپی تشکیل بشود، چرا که خود مسائل کارگران تمام نشدنی هستند. گذشته از موارد رویارویی مستقیم کارگر و کارفرما، مجمع

عمومی می‌تواند به حل مسائل مشترک کارگران نقشی موثر ایفا کند. کدام کارگر مسائل مالی ندارد؟ کدام کارگر مشکل مسکن ندارد؟ کدام کارگر از خطر دائمی محیط کار مصون است؟ کدام کارگر حرف و فکر تازه در مورد اصلاح وضعیت کارگر، شکل جدیدی از همکاری بین کارگران به ذهنشان نمی‌رسد؟

می‌شود حتی در یک روز آفتابی در غیاب هر نوع دعوا و درگیری و کشمکش هم توماری را به تابید کارگران رساند که برای بحث و بررسی پیشنهاد کارگران در مورد اصلاح و بهبود شرایط کار هر هفته هر دو هفته یک جلسه در مکان و ساعت و روز معین هفته تشکیل میشود. میتوان به مدیریت هم اطلاع داد تا ترتیبات لازم که به او مربوط می‌شود، مثلاً ساعات سرویس‌ها و کلید سالن‌ها برای استفاده از آبدارخانه انجام گردد. واضح است که در مقابل مقاومت خواهد شد. اما با جدیت و پیگیری می‌شود مساله را با راحتی حل کرد. اصلاً با صحبت میشود مار را از سوراخ بیرون آورد. مهم این است که بدانیم این کار لازم است و باید جدی گرفت.

تدارک، تدارک و باز هم تدارک خوب و از پیش مجمع عمومی

دشمنان کارگران نمیتوانند در مقابل با مجمع عمومی بی‌گدار به آب بزنند و بی‌هیچ ملاحظه ای از خشونت استفاده کنند. آنها در وهله اول خواهند کوشید با تکیه به نفوذ کلام مبلغین عوام فریبشان قدرت تمرکز یافته کارگران را خنثی و متفرق کند. وقتی مجمع عمومی تشکیل شده باشد موقتاً تعادل قوای طرفین در کارخانه به نفع کارگران به هم خورده است. در چنین موقعیتی سرمایه دار و دولت مبلغین خبره خود را به میدان می‌فرستند. واضح است که در غیاب یک اعتراض از قبل همسوس شده و در متن سکوت سخنگویان واقعی کارگران، آنها موفق میشوند به کار مجمع عمومی بی‌آنکه چیزی نصیب کارگران شده باشد، خاتمه دهند. بزرگترین ضربه بوجود

آمده از چنین وضعیتی این است که کارگران اعتقادشان به کارایی مجمع عمومی و یا بهتر است بگوییم اعمال قدرت متحد خود را از دست میدهند. وگرنه رای اعتماد گرفتن این یا آن را می‌توان در جلسه دیگر جبران کرد، چرا که مجمع به هیچکس نمایندگی و اختیارات یکساله و دو ساله اعطاء نمی‌کند و پایین کشیدن ماموران مجمع عمومی در جلسه ای دیگر کاری آسان است. مساله اصلی هنر کارگران پیشرو در رابطه با برپایی مجمع عمومی تثبیت آن بعنوان یک سنت کار متشکل توده ای است. بخش مهم این سنت‌ها در زمینه‌سازی برای همسوس کردن اعتراض کارگران قبل از شرکت در مجمع عمومی قرار دارد.

از توان و استعداد و قابلیت کارگران در جهت تحقق تصمیمات و اراده خود آنها بهره می‌گیرد.

شورا برخلاف حزب سندیکا و سازمان‌های دیگر که آنان نیز نشست عمومی اعضا یا کنگره را به بالاترین مرجع تصمیم‌گیری خود می‌دانند، این مجمع عمومی یک نهاد نیست، بلکه یک ارگان است، و اتوریته آن از این اجلاس تا اجلاس بعدی به هیچ ارگان دیگری سپرده نمی‌شود و همیشه در خودش می‌ماند.

هیئت مدیره (یا به عبارت دیگر هیئت رئیسه) شورا به هیچ وجه نمی‌تواند از جانب شورا تصمیم بگیرد و اتوریته آن همانند اتوریته سایر ارگان‌های اجرایی در همان چارچوب و در همان حیطه معنا دارد که شورا تعیین کرده است.

مجمع عمومی پیکره اصلی شوراهای واقعی کارگری است. هدف این است که از طریق سازماندهی کارگران در مجمع عمومی دخالت هر چه بیشتر و هر چه مستقیم‌تر کارگران را به امور مربوط به خودشان تامین کنیم و با تلاش پیگیر ما بالاخره باید روزی برسد که هر کارگری بتواند خود را هم با مکان خود در سازمان تولید، و هم با امکان خود در سازمان کارگران معرفی کند و بگوید: من فلانی بافنده کارخانه نساجی عضو کمیته روابط خارجی شورای کارخانه!

این است آنچه ما از سوی شوراهای واقعی فابریک مثابه یک سازمان می‌خواهیم. شورای واقعی فابریک، مجمع عمومی متشکل کارگران است که از یک سو به نحوی دموکراتیک سازمان یافته مستقیم‌ترین وضعیت را برای شور و مشورت و تصمیم‌گیری آنان فراهم می‌کند و از سوی دیگر خود سازمانی است که به بهترین نحو

طبقه کارگر تنها به نیروی متشکل خود ایمان می‌آورد

استثمار سرمایه داری بطور کلی و خلاص شدن از شر وجود این حکومت تنها به قوه طبقه کارگر میسر است، اما حتی همین کارگران نیز قدرت طبقه کارگر را لمس نکرده و چه بسیاری به نیروی طبقات دیگر دل خوش کرده اند. قدرت طبقه کارگر یک امر ذهنی نیست و ایمان به آن ایمان قلبی نیست. قدرت طبقه کارگر قدرتی نیست که به محض آنکه افراد کارگر به وجود آن پی ببرند آن را در دست خود احساس کند. قدرت برای کارگران معدنی است که باید استخراج شود. قدرت طبقه کارگر قدرت متشکل اوست و تا طبقه کارگر ابزار به جریان انداختن استفاده از آن را نساخته باشد، قدرتی بالقوه است که هنوز ماهیت و وجود خارجی ندارد.

این گفته درست است که کارگران به دلیل عدم آگاهی و ایمانشان به قدرت خود در مقابله با رژیم جمهوری اسلامی و طبقه سرمایه دار، در دفاع از معیشت و حقوق بر حق خود، در مبارزه برای جایگزین کردن آن با حکومتی که پاسدار اهداف انقلابی کارگران باشد دچار وادادگی به عقب‌نشینی شده اند. اما واقعیت این است که نباید ایمان و آگاهی کارگران به قدرت طبقاتی شان را صرفاً در جنبه ذهنی و اعتقادی آن در نظر بگیریم و برای حل آن سراغ ذهن کارگران برویم.

اصل بر این است آگاهی و ایمان کارگران به قدرت خود به خود جنبه بسیار مهم تشکیلاتی نیز دارد. قدرت طبقه کارگر قدرت متشکل او است و کارگران به قدرت متشکل خود ایمان می‌آورند. بوده اند و هستند کارگران بسیاری که در ذهن خود به پیروزی نهایی طبقه کارگر ایمان داشته و دارند، و یا حتی میدانند رهایی از چنگال ستم و

در کارخانه شما چند نفر کارگر هست که به لحاظ خلق و خو و اخلاق و فضایل شخصی شان می‌توانید با آنها رابطه ای واقعا برادرانه داشته باشید؟ رابطه‌ای آنقدر نزدیک و صمیمی و محکم که بشود در آن حق برادری را به درستی ادا کرد. در میان این دست برادرانتان چه تعداد در مورد مسائل اصلی و گره‌های مبارزه طبقاتی راه‌راهی طبقه با شما توافق دارند و یا می‌توانند به سرعت این توافق نظر را به دست بیاورند؟ اگر با این دسته اخیر به توافق برسید که کاری نقشه مند و مشترکی را برای متحد کردن کارگران مثلاً در مجمع عمومی کارخانه در دستور بگذارید و پی بگیرید آنگاه به طور واقعی یک نطفه جنبش مجمع عمومی در میان کارگران پیشرو در کارخانه شما در حال فعالیت است و شرایط پیشرفت ایجاد مجمع

عمومی فراهم شده است که می‌توان به ثمر بخشی حرکت امیدوار بود. بخش حیاتی از کار که متحد کردن نیروی پیشروان است در بستر روابط برادرانه و محفلی روی می‌دهد. این فعالیتها و روابط از گزند مزاحمت‌های پلیسی در امان است و به این دلیل سرنوشت حرکت برای گسترش مجمع عمومی بیش از هر چیز به پیگیری و خستگی ناپذیری کارگران کمونیست وابسته است. باید روابط برادری و صمیمیت را میان خود و کارگران دیگر گسترش بدهیم، باید با اتکا به روابط محفلی و گسترش ایده‌های طبقاتی و کمونیستی و منسجم کردن این طیف از کارگران و ویژگی‌های این توافق جدی‌ترین و قوی‌ترین کارگران در این مجموعه را برای عمل مشترک در خدمت سازماندهی مجمع عمومی جلب کنیم.

روحیه و اشتیاق مبارزاتی و تشکل یابی در میان طبقه کارگر

روحیه مبارزاتی و شهادتی که کارگران در طول انقلاب از خود نشان دادند محدود به دوره‌های اوج گیری جنبش انقلابی در جامعه نیست. تشکل و تشکیلات انقلابی کارگران به این روحیه در نزد کارگران خصلتی دائمی میبخشد. کسی که خود را جزئی از یک مبارزه زنده، جزئی از یک مبارزه متشکل با دورنمای پیروزی بداند هراسی به دل راه نمی‌دهد. چه کسی از اخراج و زندان می‌ترسد اگر بداند رفقای مبارزه دیگر در کمیته کمونیستی کارخانه، در مجمع عمومی و شورای کارخانه، در تشکل‌های سراسری کارگری و انقلابی، و در حزب طبقاتی او گریبان دولت و کارفرماها را رها نخواهند کرد و نه تنها با مبارزه متشکل خویش اخراجی‌ها و زندانی‌ها را باز خواهد گرداند، بلکه از آن نمونه‌ای برای افشای سرمایه داران و دولت ایشان و عرصه‌ای برای گسترش مبارزه و جلب ده‌ها و صدها کارگر دیگر به صحنه مبارزه استفاده خواهند کرد؟ چه کسی از زندان و اخراج می‌ترسد اگر بداند تشکیلات سراسری کارگران بر علیه بیکاری مبارزه برای بیمه بیکاری را قاطعانه ادامه می‌دهد و مانع سوء استفاده از کارگران بیکار بر علیه کارگران اخراجی و زندانی می‌گردد؟ چه کسی از زندان و اخراج می‌ترسد اگر بداند کارگران سراسر کشور و حتی کارگران دیگر کشورهای جهان از طریق تشکل‌های خویش اعمال فشار خواهند کرد؟ اگر بداند خانواده او به هزینه

تعمیلی به سرمایه داران، به همت رفقای متشکل در ده‌ها شکل دیگر کارگری تامین خواهد بود؛ و اگر بداند جای خالی او در صحنه مبارزه توسط تشکیلات او پر خواهد شد و مبارزه افت نخواهد کرد. چه کسی از سینه سپر کردن در برابر بیدادگاه سرمایه میهراسد اگر بداند چنانچه که یک مو از سرش کم شود رفقای او با ابزار تشکل و مبارزه متشکل چرخه تولید را متوقف خواهند کرد، حلقوم سرمایه‌داری و دولت آن را خواهند فشرد و جنایتکاران را به سزای عمل خودشان به صلابه خواهند کشید؟

در مبارزه کارگری و انقلابی ترس همزاد جهل و تفرقه است هر کارگری که دورنمای روشنی برای مبارزه نبیند، هر کارگری که از بستر اصلی قدرت خود، از همبستگی و تشکل طبقاتی خود دور بیفتد، کارگری که در مقابل هجوم سازمان یافته بورژوازی خود را تنها بیاید، حتی دل شیر هم داشته باشد عقب می‌نشیند، خود را جمع و جور می‌کند، آهسته می‌رود و آهسته می‌آید. اما کارگرمتشکل، کارگری که جزیی از یک صف متشکل و به هم پیوسته کارگری است در مقابل سرکوب تمکین نمی‌کند، از حرکت و مبارزه باز نمی‌ایستد.

باید بر نقطه ضعف طبقه کارگر در تشکل فایق آمد.

تشکیل شدن مجمع عمومی کارگران هم اکنون در محیط‌های کارگری در جریان است. مثلاً مسئولان تعاونی‌های کارگری و صندوق‌های مالی کارگری و یا نهاد صنفی دیگر در گزارشی به کارگران و یا کسب تکلیف از این فراخوان عمومی می‌دهد و مجمع عمومی تشکیل می‌گردد. این درست است که میان مجمع عمومی کارگری که به طور خود به خودی در مقام عکس‌العمل در مقابل فشارهای کارفرمایان و دولت تشکیل می‌شود با مجمع عمومی منظم و سازمان یافته که ما به عنوان سنگ بنای تشکل و مبارزات کارگران یعنی شورای کارگری از آن حرف می‌زنیم تفاوت چشمگیری وجود دارد.

اما نکته اساسی و مهم اینجاست که متکی شدن بر این شکل شناخته شده همبستگی مبارزاتی که توده کارگر نیز بارها آن را به طرق مختلف آزموده‌اند و تجربه کرده‌اند؛ نقطه شروع ما برای ایجاد و سازماندهی مجمع عمومی فراگیر و منظم است. به عبارت دیگر فعالیت ما برای ایجاد سازمان شورای کارگران اولاً از پایین و سازماندهی پایه

امکان عملی "به رسمیت شناخته شده تشکل کارگری دولت و کارفرمایان" در بحث کسانی که از تشکل علنی کارگری انتظار دارند که نقش متعارف اتحادیه را به عهده بگیرد، البته جایگاه ویژه تعیین کننده دارد. اگر وظیفه تشکل کارگری این باشد که منطبق بر سنت شناخته شده کار اتحادیه‌ای به نمایندگی از جامعه کارگران با کارفرمایان و دولت به مذاکره بنشیند، چانه بزند و در مورد شرایط فروش کار قرارداد دست جمعی با طرف دیگر معامله امضا کند و نظایر اینها، آنگاه رسمیت داشتن از جانب دولت و به بازی گرفته شدن، باواقعیت داشتن آن مترادف است. به بیان دیگر در صورت رسمیت نداشتن بکارگیری چنین تشکلی غیر عملی است. جمهوری اسلامی در قوانین خود به صراحت گفته است که فقط شورای اسلامی را به رسمیت می‌شناسد.

ترین ارگان آن یعنی مجمع عمومی سازمان یافته و منظم در کارخانه‌ها و شورای فابریک شروع می‌شود؛ و ثانیاً، خود این فعالیت در سطح پایه عبارت از تکامل بخشیدن به یک پدیده حی و حاضر و فی الحال موجود و نه خلق نهادی بی سابقه و ناشناخته. از این روست که سازماندهی مجمع عمومی منظم و جدی در کارخانه‌ها را امری ممکن و عملی می‌دانیم و بدیهی است که این کار هم مانند هر عمل مبارزاتی دیگر در خدمت متشکل کردن کارگران به فعالین مصمم و پیگیر خود نیازمند است.

بسیار مهم است همین جا تاکید شود که بکاربردن اصطلاح "مجمع عمومی خودبخودی" با درجات زیادی از مسامحه نسبت به فعالیت فعالین کارگری در برپایی مجمع عمومی جاری همراه است. فشار مادی و سببیت دولت با هر اعتراض کارگری مجال زیادی برای تجمع کارگری توأم با هر درجه از آسوده خیالی که میتواند با کلمه "خود بخودی" تداعی شود را بجا نمیگذارد.

چه کسی گفته ایجاد تشکل علنی کارگری فقط زمانی امکان پذیر است که دولت آن را به رسمیت بشناسد؟

برای ما برسپیت شناخته شدن تشکل کارگری از طرف دولت این اهمیت را ندارد. آنچه برای ما مقدم بر هر چیز مهم است نفس وجود تشکلی است که به اراده توده کارگران وحدت بخشد و آنانرا از تفرقه و انفراد در مقابل دشمنان شان بیرون آورد. ما خوب می‌دانیم که دولت و کارفرمایان به هیچ وجه در حال حاضر وجود تشکلی را که تقویت کننده صدای اعتراض کارگران باشد، حتی اگر این تشکل در چهار دیواری کوچک کارخانه محصور بماند، را نمی‌پذیرد تا چه رسد آنرا به رسمیت بشناسد و یا به آن اجازه فعالیت قانونی بدهد. وقتی ما از عملی بودن ایجاد تشکل مورد نظر خود حرف می‌زنیم عملی بودن ایجاد آن توسط کارگران مد نظر ما است و نه از عملی بودن به رسمیت شناسی آن از سوی دولت و کارفرمایان در حال حاضر.